

جریان ادبیات

در ایران کنونی

- ۲ -

در دوره های بعد میرزا ملکم خان مشاغل عالیه از قبیل سفارت مصر و وینه و برلن را عهده دار بود و در کنگره برلن بنماینده گی ایران شرکت حبت و بخوبی از منافع ایران دفاع کرد و آنرا حفظ نمود و در نتیجه با لقب پرنسی نایل آمد .

در اواخر عمر سفارت لندن و سپس سفارت رم را عهده دار بود و در سال ۱۳۲۷ در رم وفات یافت .

در اوایل سلطنت ناصری میرزا ملکم خان « فراموش خانه ای »

در تهران تأسیس کرد .

مقصود و مرام فراموش خانه این بود که دوری و بیگانگی بین طبقه ممتاز و توده را برطرف سازد و حس بیگانگی و ملیت را ایجاد و تحریک نماید . این جمعیت ظاهراً شعبه ای از ماسون ها و قسمت « شرق اعظم » آن محسوب میگردد که در تحت نفوذ و با کمک سالونیک ایجاد شده بود . جمعیت مزبور مورد تعقیب واقع گشت و ملکم خان مجبور شد بلندن رود و سفارت ایران را عهده دار گردد . میرزا ملکم خان در ۱۳۰۹ در لندن روزنامه « قانون » را تأسیس نمود . روزنامه مزبور خدمت عمده ای بپیداری و تولید حس ملیت ایران کرد . روزنامه مذکور که تمام مطالبش بقلم خود میرزا ملکم خان نوشته میشد چنانکه اسمش نشان میدهد سعی بود که لزوم قانون و حس عدالت خواهی را در خوانندگان پرورش دهد و با آنها بفهماند که ترقی و تجدید حیات ایران منوط بقوانین محکمیست

که باید وضع شود و مجلس قانون گذاران حامی آن باشد . روزنامه قانون تقریباً سه سال ادامه یافت و ۴۱ نمره بطبع رسید . در ایران روزنامه مزبور و خوانندگانش مورد تعقیب واقع میگردیدند و بنابراین بر اهمیت آن افزوده شد . روزنامه قانون و سایر نوشتههای میرزا ملکم خان رفته رفته در زبان فارسی تغییراتی داد و طرز نگارش تازه ای پیدا شد . صفت برجسته آثار میرزا ملکم خان سادگی و آسان فهمی آنهاست بطوریکه تمام توده مطالب آنها درک می کند ، مشارالیه در بدو خدمت خود در تحریرات وزارت امور خارجه نیز طریقه ساده ای را ایجاد کرد .

چنانکه مذکور افتاد میرزا ملکم خان در ۱۳۲۷ در رم وفات یافت و بقدری خوش بخت بود که نتیجه و ثمره زحمات و خیالات خود را دید . مطبوعات ایران نیز خدمت غیر قابل انکاری بادبیات ایران کرده اند .

اولین روزنامه فارسی موسوم به «روزنامه وقایع اتفاقیه» در سال ۱۲۷۰ و عهد ناصری در تهران تأسیس شد و مرتباً هفته ای یک بار انتشار می یافت . ده سال بعد در ۱۲۸۰ روزنامه دیگری موسوم به «روزنامه دولت علیه ایران» انتشار یافت . این روزنامه مصور بود و صورت بزرگان ایران را انتشار میداد و تغییر مشاغل دولتی و اطلاعاتی را راجع بایالات و ولایات آباد ایران حاوی بود . بعد این روزنامه باسامی مختلفی انتشار یافت ولی چون ارگان رسمی بود در مرام خود کمتر تغییر داد .

در سال ۱۲۸۳ «روزنامه علمی» انتشار یافت . مرام این نامه خدمت بمقاصد دارالفنون بود . بعد در سال ۱۳۲۲ اولین مجله علمی بنام «گنجینه فنون» برای مدت کمی انتشار یافت . مجله

مزبور بواسطه شهرت و سرشناسی نویسندگان که یکی از آنها آقای تقی زاده بود تا اندازه ای انظار را جلب کرد. مجله های دیگری نیز انتشار یافت که در اطراف مسائل تاریخی و مذهبی و غیره بحث می کردند ولی بواسطه عدم تبحر کامل نویسندگان و شرایط سانسور ازین رفت و اتری از آنها باقی نمانده است. جرایدی که در خارجه انتشار می یافت بیشتر توجه ایرانیان را جلب میکرد جراید مزبور بیشتر بیداری ملت ایران کمک نمودند. وصول این جراید بایران فوق العاده مشکل بود. یکی از قدیمترین جراید منتشر در خارج موسوم به «اختر» منطبقه اسلامبول در سال ۱۲۹۴ تأسیس شد و تا ۱۳۱۵ بجیات خود ادامه داد و سپس بتوسط دولت عثمانی توقیف شد. میرزا آقاخان کرمانی و میرزا علی محمد خان از نویسندگان نامه اختر بودند. میرزا علی محمد خان پس از آن روزنامه «تربیت» را با قطع و اسلوب مرغوبی انتشار داد و بین جوانان شهرت بسیاری کسب کرد. یکی از خصائص این روزنامه حملات اوبصدراعظم (امین السلطان) و عملیات خائنه او بود. منظومه های چندی که با سبک تازه ای در این نامه انتشار می یافت مثل حکایت «دختر حاجی نمدمال» از لحاظ ادبیات قابل توجه و ذکرتست. پس از اعلان مشروطیت (سال ۱۳۲۵) یکمرتبه بشماره روزنامه ها افزوده شد. جرایدی که کسب شهرت و اهمیت کردند عبارتست از «مجلس» و «ایران نو» و «صور اسرافیل».

پیدایش جراید فکاهی و خنده آور مثل «کشکول» و «بهلول» با صورتها و مطالب جالب توجهی از خصائص ادبی این دوره محسوب میگردد. آشنائی با نظر غربی باعث انقلاب ادبی ایران گردید. میرزا آقاخان کرمانی مقاله مفصلی راجع بادبیات قدیم و جدید انتشار

داد و نظر و خط مشی نویسندگان جدید را روشن ساخت .
 نظم جدید ایران بروح ملت نزدیکتر شد و مطابق احتیاجات
 آن ساخته گردید بطوریکه در غم و شادی ملت کاملاً شریک بود
 و از سطور آن روح ملت آشکاراست . این رویه و منظور که در
 اشعار قدما دیده نمی شود حد فاصل روشنی بین ادبیات قدیم و
 جدید ایران ترتیب میدهد . یکی از پیروان معروف این سبک شیبانی
 است که در سال ۱۳۱۰ وفات یافته است . اشعار شیبانی برعکس
 اشعار آن عصر که همان سبک قدما راه پیروی نموده اند دارای
 روح تجدیدست . شیبانی را نمیتوان شاعر بزرگی نامید ولی نمیتوان
 منکر قریحه و استعداد او شد . اشعار شیبانی از تقلید عقیده قدما
 مبرا است . شاداید و وضع زندگی شخصی او یأس و بدبختی را در
 اشعارش آشکار ساخته است . مشارالیه از خانواده های قدیم کاشان
 بود و غفلة دچار تعقیب مأمورین حکومت گردید و از هستی ساقط
 شد . پس از حضور و آمدن بتهران با کمک امین السلطان صدراعظم
 از فقر و بیچارگی نجات یافت و مواتب فقر و بیچارگی او در سطور
 اشعارش پیداست .

شیبانی هنگام اقامت در کاشان شروع بنظم اشعار خود کرد .
 بعد از آمدن بتهران مشارالیه در تحت حمایت صدر اعظم
 با خاطری آسوده منظومه ها و رساله های خود را تدوین و تألیف کرد .
 عیب جوئی از حکومت و مملکت و وزرا و شاه در موقع استبداد
 تام و حکومت مطلق شیبانی را طرف توجه و مورد ستایش میسازد .
 بدیهی است اشعار شیبانی را در ایران نمیتوانستند انتشار دهند دیوان
 او در سال ۱۳۱۰ یعنی در سال وفات او در اسلامبول بطبع رسید .
 یکی از شعرای فکاهی نویسنده معروف دوره آزادی ایران میرزا

علی اکبرخان دهخدا قزوینی میباشد که بواسطهٔ مقالات فکاهی خود که در روزنامهٔ صور اسرافیل انتشار می داد شهرت تامی تحصیل کرد یاد داشتهای اوبشکل پاورقی مرتباً در صور اسرافیل (۱۳۲۶-۱۳۲۷) بامضای دخو طبع می گردید .

اشعار مشارالیه با مطالب زنده ای در اطراف زندگی سیاسی و اجتماعی ایران نوشته میشود . بدیهی است روحانیون، وضع زنان ایران و عادت شوم تریاک کشی و تریاکیان نیز از نیش قلم و زبان تند او بی بهره نمی ماند . حس خصومت و بدبینی نسبت بروسیه نیز از اشعار او پیدا بود و خلاصه میتوان گفت موضوعی نبود که دخو دستی روی آن نگذاشته باشد . عبارات اشعار او خیلی ساده و بزبان عامیانه و عوام فهم ود بطوریکه رفته رفته این سبک در ادبیات ایران جای خود را باز کرد . مجلهٔ فکاهی ملا نصرالدین که از ۱۳۲۵ در تقلید انتشار می یافت در قلمفرسائی دخو تأثیر بخشیده .

پس از اختناق مشروطیت بدست محمد علی میرزا میرزا علی اکبر خان در تابستان ۱۳۲۷ بخارج مملکت فرار کرد و در ایوردن سویس صور اسرافیل را ادامه داد . سپس میرزا علی اکبر خان در روزنامهٔ سروش منطبعهٔ اسلامبول سال ۱۳۲۹ که ارگان انجمن ایرانیان محسوب میگردد چیز نویسی کرد .

یکی از خصائص اصلاح و انقلاب ادبی ایران این بود که کلیهٔ طبقات حتی در گوشه و کنار مملکت هر بمفهوم مطالب و مندرجات آن دسترس داشته باشند ، بنابراین بیشتر مقالات و اشعار بزبان عوام و ساده انتشار می یافت .

عارف قزوینی تصنیف ساز معروف ایرانی نیز قابل توجه است . در تصنیفها و حتی غزلیات این نویسنده باقی ماندهٔ روح

تصوف دیده میشود. اشعار عارف در توده اثر فوق العاده دارد. یکی از بهترین آثار عارف تصنیفی است که در جشن انجمن ادبیات پس از خلع محمد علی میرزا در اواخر ۱۳۳۰ خوانده و در حضار تأثیر فوق العاده کرده بود.

با ملاحظه مطالب مذکور میتوان گفت زبان و ادبیات فارسی جریان و جنبش تازه ای بخود گرفته و حیات جدیدی در آن راه یافته و بسوی ترقی و تکامل میروند.

آ.آ. ر. اسکویچ (از مجله شرق - منطبع مسکر)

سلطان شرف الدین - قهرمانی

غزلی از رابعه

۳۰۴

(رابعه قزداري بلخي بنت كعب نخستين شاعر ة ایرانی در قرن چهارم)
 قشانداز سوسن و گل سیم وزرباد زهی بادی که رحمت باد بر باد
 بداد از نقش آزر صند نشان آب نمود از سحر مانی صد اثر باد
 مثال چشم آدم شد مگر ابر دلیل لطف عیسی شد مگر باد
 که در بارید هر دم در چمن ابر که جان افزو ددخوش خوش در شجر باد
 اگر دیوانه ابر آمد چرا بس کند عرضه صبوحی جام زر باد
 گل خوشبوی ترسم آورد رنگ ازین غماز صبح پرده در باد
 برای چشم هر نا اهل گوئی عروس باغ را شد جلوه گر باد
 عجب چون صبح خوشتر می برد خواب چرا افگند گل را در سهر باد